





ریخت‌شناسی تحلیلی دیو در آثار محمد سیاه‌قلم

زهرا علی اوغلی ضیائی * حمیده حرمتی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

صفحه ۲۱ تا ۳۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

دیو یکی از نقش‌های پر بسامد در نقاشی‌های ایرانی است که طی سده‌های متمادی به‌عنوان موجودی اهریمنی و زیانکار تصویرسازی شده است. در این میان، توجه محمد سیاه‌قلم، هنرمند عجیب‌نگار سده هشتم مکتب هرات، به این موجودات و تصویرسازی آن‌ها با ویژگی‌های ظاهری متنوع، قابل تأمل و نیازمند بررسی بیشتر است. هدف این پژوهش، مطالعه خصوصیات ظاهری دیوهای محمد سیاه‌قلم و شناخت ویژگی‌های بصری این دیوان است. سؤال پژوهش هم معطوف به چستی این ویژگی‌های بصری است. چستی و ماهیت ویژگی‌های بصری در دیوان سیاه‌قلم چگونه قابل تبیین است؟ روش تحقیق در پژوهش پیش‌رو، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و با ابزارهایی همچون فیشبرداری، تصویرخوانی، جداول و آمار انجام گرفته است. نمونه‌گیری پژوهش، به‌صورت هدفمند بوده و شامل تمامی نگاره‌های دیو محمد سیاه‌قلم است که از موزه‌های تویق‌پای استانبول، گالری هنر فریر و موزه متروپولیتن نیویورک جمع‌آوری شد و در نهایت، داده‌های به‌دست آمده، به روش استقرایی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج برآمده از تحلیل ویژگی‌های بصری دیوهای سیاه‌قلم در شش بخش شامل «ویژگی ظاهری کلی، سر و چهره، دُم، پوشش، زیورآلات و متعلقات» اذعان داشت که هر یک از دیوها در قیاس با دیگری به لحاظ ویژگی‌های ظاهری، تزئینی و متعلقات کاملاً منحصر به فرد بوده و تشابهی با دیگر همسانان خود ندارد و از هویتی مستقل برخوردار است. او در ترسیم بصری دیوها با اعمال برابر ویژگی‌های انسانی و حیوانی در حالات مختلف، سعی در باز نمود چهره دوگانه نیمه انسانی و نیمه حیوانی مطابق با سنت بصری دیو در نگارگری دارد؛ اما در بخش اندام، غلبه با وجه انسان‌گونه است حال آنکه در بخش‌های سر و چهره (گوش، چشم، مو، دماغ) و نیز شاخ و دم، حیوان‌گونه غالب است. علاوه بر آن، وی در نمایاندن ویژگی‌های انسانی، جز اندام و چهره از عناصر «پوشش، زیورآلات و متعلقات» انسانی نیز بهره گرفته است.

واژگان کلیدی

دیو، محمد سیاه‌قلم، غیاث الدین نقاش، نگارگری، مکتب هرات، ریخت‌شناسی.

* کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

Email: za.alioglu@tabriziau.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز و دانشکده چندیروانه‌ای، دانشگاه هنر

Email: Hormati@tabriziau.ac.ir

اسلامی تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

محمد سیاه‌قلم، از نگارگران سرشناس ایرانی در قرن هشتم هجری است که به دلیل سبک خاص خود، همواره منبع الهام دیگر هنرمندان بوده است. وی در آثار خویش از نقش یک موجود اساطیری ایران، یعنی دیو بسیار بهره برده و آنان را در حالت‌های مختلف و اعمال انسانی مانند کار، گفتگو، مرافعه و یا رامشگری ترسیم کرده است. نکته قابل‌تأمل، تنوع تصویری این دیوها با تمایزهای بارز در ویژگی‌های بصری آن‌ها است که این تصاویر را شایان مذاقه بیشتر برای دستیابی به ویژگی‌ها و جزئیات بصری آنان می‌کند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، مطالعه خصوصیات ظاهری دیوهای محمد سیاه‌قلم و شناخت ویژگی‌های بصری این دیوها است.

در این راستا پژوهش در صدد یافتن پاسخ به این پرسش است که ویژگی‌های بصری و خصوصیات ظاهری دیوان محمد سیاه قلم چیست؟

ضرورت و اهمیت این تحقیق معرفی خصوصیات ظاهری دیوان محمد سیاه قلم، هنرمند پرآوازه سده ۸ است که تاکنون در این حوزه پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، بنابراین ارائه نتایج تازه از این منظر و ارائه بینش نوین در مورد شیوه نگاره‌های دیوها می‌تواند در بهره گیری روند خلق آثار نقاشی و دیگر شاخه‌های هنرهای تجسمی مفید و مؤثر باشد.

با توجه به یافته‌های نگارندگان، تاکنون پژوهشی مستقل در حوزه مطالعه ویژگی‌های بصری دیوهای سیاه‌قلم صورت نگرفته است؛ بنابراین، ارائه نتایج جدید در این زمینه، از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند بینش نوین در مورد شیوه نگاره‌های دیوها ارائه دهد.

روش تحقیق

این مطالعه، از نوع توصیفی-تحلیلی و در حوزه پژوهش‌های کیفی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و با ابزارهایی مانند فیش‌برداری، تصویرخوانی و تحلیل دیوها در جداول، به صورت ارائه آمار انجام شده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و دربرگیرنده تمامی نگاره‌های دیوهای محمد سیاه‌قلم است که شامل ۲۸ اثر از موزه‌های توفیق‌آبی استانبول، گالری هنر فریر و موزه متروپولیتن نیویورک می‌شود و به صورت اینترنتی گردآوری شده‌اند. با توجه به رویکرد نظری تحقیق، در گام نخست، ویژگی‌های اجزای تشکیل‌دهنده دیوهای هر نگاره با تقسیم‌بندی‌های مدنظر، در جداول جداگانه شامل «کلیت ظاهری، سر و چهره، دم، پوشش، زیورآلات و اسباب و متعلقات» تحلیل شده است. پس از دستیابی به داده‌های اولیه دیوها از منظر ویژگی‌های بصری، در گام بعدی تفسیر و طبقه‌بندی میان اجزای تشکیل‌دهنده دیوهای هر نگاره، به صورت آماری انجام و درنهایت،

داده‌های به‌دست‌آمده به روش استقرایی، برای حصول نتیجه نهایی پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

پیشینه مرتبط با پژوهش حاضر ابتدا در زمینه رویکرد نظری، یعنی ریخت‌شناسی و سپس در متغیرهای آن شامل «دیو و محمد سیاه‌قلم» مورد بررسی قرار گرفت. نخست در زمینه رویکرد نظری تحقیق، صدری و عصمتی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «ریخت‌شناسی خواب نگاره‌های شاهنامه تهماسبی بر اساس نظریه پراپ» در نشریه هنرهای تجسمی شماره ۴، به عناصر خواب و تأثیر آن‌ها بر روایت مستقیم سه نگاره پرداخته‌اند. همچنین، زمانی، شمیلی، حرمتی (۱۳۹۹)، در مقاله «ریخت‌شناسی صراحی‌های شیشه‌ای ایران در سده‌های ۵ و ۶ ه.ق» در نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی شماره ۴، ریخت‌شناسی صراحی‌های دوره سلجوقی و دسته‌بندی انواع شکل مخزن و ظروف را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در رابطه با موضوع دیو در حوزه ادب فارسی، به‌ویژه شاهنامه پژوهی مقالات و کتاب‌های بسیاری تألیف شده است. طباطبائی (۱۳۳۳)، در مقاله‌ای با عنوان «دیو و جوهر اساطیری آن» در نشریه زبان و ادب فارسی شماره ۶۹ و آموزگار (۱۳۷۱)، در مقاله «دیوها در آغاز دیو نبودند» در نشریه کلک شماره ۳۰، به مطالعه بنیادی و اساطیری دیوها در ایران باستان و شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات هنری، می‌توان به این موارد اشاره کرد: حسامی و شیخی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول دیونگاری در نگارگری ایرانی با تأکید بر شاهنامه‌نگاری از دوره ایلخانی تا پایان دوره قاجار» در نشریه نگره شماره ۶۴، به بررسی و شناخت سیر تاریخی و تحلیلی مفهوم و نقش دیو در ادبیات و شاهنامه پرداخته‌اند. در زمینه دیوهای محمد سیاه‌قلم، منشأ و چگونگی آن‌ها پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف انجام شده است، مانند مقاله خیبری (۱۳۹۸)، با عنوان «مقایسه تطبیقی تصاویر دیوهای محمد سیاه‌قلم با دیوهای نگارگری ایران (معراج نامه و خاوران نامه)» در نشریه مطالعات هنر اسلامی شماره ۳۶ که به تأثیر ظاهری نقش دیو در نگاره‌های استاد محمد سیاه‌قلم بر دیوهای نگارگری ایرانی، پرداخته است. همچنین، مقاله دادور و خیری (۱۳۹۲)، با عنوان «کارکرد معنایی دلالت‌های صریح و ضمنی در مطالعه موردی آثار محمد سیاه‌قلم» در نشریه جلوه هنر شماره ۱، به زمینه‌های مشترک گروهی از آثار سیاه‌قلم با باورهای شمنی پرداخته است. از میان پژوهش‌های متأخر، می‌توان به مقاله جیمز وات با ترجمه ستاره نصری (۱۴۰۰) اشاره کرد که با عنوان «ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم» در نشریه مطالعات هنرهای زیبا شماره ۳، منتشر شده است.



زردشت، دیوان به شکل آدمی بر زمین راه می‌رفتند اما زردشت پس از پیامبری آنان را از زمین بیرون کرد و ناچار به زیرزمین گریختند و در آنجا به صورت نهانی به زندگی خود ادامه دادند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۷). همان‌طور که در گاهان، کهن‌ترین بخش اوستا، آمده است که «دیوان خدایان دشمن هستند؛ موجودات مینوی ولی عمال دنیای بدی که زردشت الوهیت آن‌ها را انکار کرده است و به عبارت دیگر، دیوان ایزدان جامعه شرق هستند که با جامعه معتقد به گاهان اختلاف دارند و کم‌کم دیوان به صورت خدایان دروغین درمی‌آیند. از این پس کم‌کم دیگر دیوان ایزدان جامعه دشمن نیستند؛ بلکه خود انبوهی از اهریمن‌اند» (آموزگار، ۱۳۷۱: ۱۸).

مطابق روایات اساطیری، دیوان موجوداتی زشت‌رو و شاخ‌دار و حیل‌گرند و از خوردن گوشت آدمی روی‌گردان نیستند. اینان اغلب سنگدل و ستمکار بوده و از نیروی عظیمی برخوردارند و تغییر شکل می‌دهند. در انواع افسونگری چیره‌دستان و در داستان‌ها به صورت‌های دلخواه درمی‌آیند و حوادثی ایجاد می‌کنند (یاحقی، ۱۳۲۶: ۳۷۲). با گذر از دوره اساطیری، دیوها در فرهنگ مردم ایران همچنان به حیات خود ادامه دادند. در آخرین تحول مفهوم دیو و بر اساس فرهنگ مردم ایران، دیو موجودی مافوق طبیعی است که با شکل و سیمای ویژه‌ای تصور می‌شود و خویش‌کاری‌های متعددی دارد. بر این اساس، دیوها موجوداتی زیانکار و غیرطبیعی به رنگ سیاه هستند که با دندان‌های بلند همچون دندان‌های گراز، لب‌های کلفت و سیاه و گاه با چشمان آبی توصیف شده‌اند. بدن آن‌ها با موهای ضخیم پوشیده شده و چند سر، شاخ، دم و گوش‌های بزرگ و یک جفت بال دارند و مردم خوارند. دیوها معمولاً احمق و ابله و گاه زیرک و چالاک نیز توصیف می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۴). در اثر سترگ فردوسی به صورت مشخص به وجود دیوها و خصوصیت ظاهری آنان پرداخته شده است.

۲-۱. دیو در شاهنامه

همان‌طور که در بخش قبلی نیز اشاره شد، دیوان در متون اساطیری نقش اصلی را ایفا می‌کردند و این سیطره تا به دوره اسلامی در سروده‌های فردوسی به چشم می‌خورند. در شاهنامه فردوسی شاهنشاهان و دلاوران ایران از دوران فرمانروایی نخستین پادشاه اساطیری، یعنی کیومرث تا زمان سلطنت گشتاسپ با دیوان دست‌وپنجه نرم می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۴۳: ۳۹). برخورد با این دیوان در شاهنامه، به دوران دو پادشاه اول اسطوره‌ای باز می‌گردد؛ سیامک، فرزند کیومرث و نخستین پادشاه سلسله پیشدادی است که به دست دیو سیاه، بچه اهریمن کشته می‌شود. سپس هوشنگ، فرزند سیامک، به جنگ با دیو سیاه برمی‌خیزد و با این دیو و سپاهیان متشکل

این مقاله به مقایسه نموده‌های تصاویر دیوها و انسان‌ها با ماهیت شیطانی و مرتبط با رفتارهای ممنوعه در متون ایرانی و عربی می‌پردازد. همچنین، مقاله وحیدی (۱۴۰۰) با عنوان «جایگاه انسان در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم و هیرونیموس بوش از دیدگاه فروید» در نشریه پیکره شماره ۲۳ و مقاله محمدزاده، ازهری و شکرپور (۱۴۰۱)، با عنوان «مطالعه شمایل‌شناسانه تصویر عصا در آثار محمد سیاه‌قلم با عصای آیینی لوهان‌ها، با رویکرد اروین پانوفسکی» در نشریه میانی نظری هنرهای تجسمی شماره ۱۴، هرکدام از دیدگاه فرویدی و شمایل‌شناسانه به تحلیل دیوهای سیاه‌قلم پرداخته‌اند.

در ارتباط با شخص محمد سیاه‌قلم و پاسخ به ابهام درباره هویت او و آثارش، دو منبع مهم وجود دارد. نخست، کتاب یعقوب آژند (۱۳۸۶)، با عنوان «استاد محمد سیاه‌قلم، هنرمندی با سه چهره» از نشر کتاب‌های جیبی که به معرفی هویت محمد سیاه‌قلم، آثارش و زمان و مکان آن‌ها اشاره دارد. دوم، کتاب محمدعلی کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۹)، با عنوان «احوال و آثار نقاشان قدیم ایران» از نشر مستوفی که ضمن اشاره به ابهام در هویت محمد سیاه‌قلم، تحلیل دقیقی از نگاره‌های او ارائه داده است. در جمع‌بندی، می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین، عمدتاً بر شناسایی هویت محمد سیاه‌قلم و معرفی کلی آثار او با اشاره‌هایی کوتاه به دیوها، متمرکز بوده‌اند، اما پژوهش حاضر با رویکردی ساختارگرایانه، به طبقه‌بندی ویژگی‌های بصری هر یک از ۲۸ تصویر دیو در آثار سیاه‌قلم می‌پردازد.

۱. دیو

تقابل میان نیروهای خیر و شر از دوران باستان، در هر جامعه‌ای مرسوم است، اما در اسطوره‌ی ایران باستان با رویارویی اهورامزدا و اهریمن همراه بوده است. همان‌طور که در اسطوره آفرینش آمده، پس از آنکه اهورامزدا دست به آفرینش جهان مینوی و مادی زد و امشاسپندان و ایزدان و فروهرها پدید آمدند، اهریمن نیز بی‌کار ننشست و دست به آفرینش جهان بدی زد و در برابر امشاسپندان، کماریکان و در برابر ایزدان، دیوان را پدید آورد (عقیقی، ۱۳۷۴: ۵۲۲). واژه دیو در زبان اوستایی (Daeva) و در هندی باستان دیوا (Deva) (یاحقی، ۱۳۲۶: ۳۷۱) و در پهلوی (فارسی میانه) دو (Dev) بوده که در فارسی نوین دیو گفته می‌شود (عقیقی، ۱۳۷۴: ۵۲۲). این واژه در قدیم، به گروهی از خدایان آریایی اطلاق می‌شد؛ ولی پس از ظهور زردشت و معرفی اهورامزدا، خدایان قدیم (دیوان) گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده شدند. کلمه دیو، نزد همه اقوام هند و اروپایی به جز ایرانیان، هنوز همان معنی اصلی خود را که خدا باشد، حفظ کرده است (یاحقی، ۱۳۲۶: ۳۷۱). بنا بر اسطوره‌های زردشتی، پیش از ظهور

که رسیده آنچه دیده بود، از چگونگی راه و صفت ولایت و عمارت و قواعد شهرها و عظمت پادشاهان و طریقه ضبط و سیاست و عجایبی چند که در آن دیار مشاهده کرده مجموع بر چند جزو روزبه‌روز به طریق روزنامه ثبت کرده» (ابرو، ۱۳۷۲: ۸۱۸-۸۱۹).

در اینجا است که این فرضیه قوت می‌گیرد که غیاث‌الدین نقاش همان کسی است که در خلال سفر خود به چین تصاویری از دیده‌ها و شنیده‌های خود کشیده و پرداخته که امروزه به نقاشی‌های استاد محمد سیاه‌قلم شهرت دارد. با مقایسه مطالب و اطلاعات سفرنامه مکتوب او با تصاویر و نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم این فرضیه به مرز اثبات می‌رسد. از جمله این موارد، می‌توان به اثری اشاره کرد که در آن صورت دو دیو است که به یکدیگر حمله‌ور شده‌اند. یکی دُم آن دیگری را گرفته و او نیز با خنجر در حال حمله بدانست (تصویر ۱۵ در جدول ۱) (آژند، ۱۳۸۹: ۳۳۳-۳۴۵). در رابطه با این تصاویر، غیاث‌الدین در سفرنامه خود می‌نویسد: «در حادی عشرین رجب به شهر کامل رسیدند و در این شهر امیر فخرالدین مسجدی بزرگ ساخته بود و در مقابل مسجد بتخانه {ساخته} بود، به غایت بزرگ و در وی بتی بزرگ ساخته و از چپ و راست بتان دیگر خردتر بسیار بود {ند} و بر دیوارهای خانه صورتگری‌های استادانه کرده و رنگ‌آمیزی‌های خوب و بر در بتخانه صورت دو دیو که یکدیگر حمله کرده باشند» (ابرو، ۱۳۷۲: ۸۲۲).

۳. دیونگاری

نگاره‌های محمد سیاه‌قلم به صورت پراکنده و تکنگاره در چندین موزه نگه‌داری می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به موزه‌های توپقاپی استانبول، گالری هنر فریر، موزه متروپولیتن نیویورک و مجموعه آثار هنرهای اسلامی خلیلی اشاره کرد. با این حال، بیشترین تعداد نگاره‌ها در موزه توپقاپی استانبول، در مجموعه مرقع‌های شماره H.2153 و H.2160 دیده می‌شود. در اغلب تصاویر به‌جامانده از این هنرمند که عمدتاً در موزه توپقاپی سرای عثمانی قرار دارند، ارقامی دیده می‌شوند که امضای اصلی نقاش نبوده و بیشتر نوشته‌ها، به عیار بعضی ارقام الحاقی توسط فرد مسئول و یا صاحب‌ذوقی هنرشناس افزوده شده‌اند که از نظر شیوه کتابت و لحن کلمات سست و بی‌مایه به نظر می‌رسند. در این میان، ارقام امضاهایی از قبیل «کار استاد محمد سیاه‌قلم» و یا «کار استاد سیاه‌قلم» و استاد شیخی درهم و غیره با خطوط و شیوه‌های گوناگونی نظیر نستعلیق و تعلیق دیده می‌شوند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۸۲۷-۸۲۸). به نظر می‌رسد حتی گذر زمان نیز با استاد محمد سیاه‌قلم مهربان نبوده و نام و هویت واقعی او را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. دیوهای محمد سیاه‌قلم، اغلب با ریش و سبیل بلند، ژولیده

از پریان، پلنگان، ببران، شیران، گرگان و پرندگان ستیز می‌کند و انتقام خون پدر را باز می‌ستاند. وی با بریدن گلولی دیو به زندگی او خاتمه می‌دهد (سرخوش کرتیس، ۱۳۷۳: ۵۳). این دیوان در شاهنامه، به مرور ایام، هیئت عجیبی یافته و به صورت‌های سهمگین تصویر شده‌اند و تقریباً هیئت و منش دیوهای کتاب‌های مذهبی را دارند و در اکثریت به رنگ سیاه مجسم شده‌اند (یاحقی، ۱۳۲۶: ۳۷۱-۳۷۲). حضور دیوان در شاهنامه بار دیگر در دوره پهلوانی رستم پررنگ می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها ماجرای پشت سر گذاشتن هفت‌خوان در مازندران، در مقابل اولاد دیو، ارژنگ دیو و دیو سپید است (فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۲. محمد سیاه‌قلم

محمد سیاه‌قلم از هنرمندان عجیب‌الصور قرن هشت مکتب هرات به شمار می‌رود و به‌رغم مطالعات و پژوهش‌های فراوان سده اخیر که در باب هویت وی انجام گرفته، هنوز هم هویت وی در پرده ابهام است. استاد محمد سیاه‌قلم در این پژوهش‌ها از چندین بُعد محل توجه قرار گرفته است: هویت استاد محمد سیاه‌قلم، هویت نقاشی‌های او و منشأ و مکان این نقاشی‌ها (آژند، ۱۳۸۹: ۳۲۱). نگارندگان بر این باورند که وی همان محمد بن محمود شاه خیام و یا به سخن دیگر غیاث‌الدین محمد نقاش است که از طرف دربار شاه‌رخ همراه با هیئتی سیاسی به چین اعزام می‌شود و مأموریت می‌یابد تا دیده‌ها و شنیده‌های خود را طی سفر ثبت کند. از این‌رو وی دو سفرنامه تهیه می‌کند: یکی مکتوب که در بیشتر تواریخ دوره تیموری از جمله زبده التواریخ حافظ ابرو و مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی ثبت شده است؛ دیگری سفرنامه مصور که همان مرقعات معروف و محفوظ در موزه توپقاپی سرای استانبول است که به آثار استاد محمد سیاه‌قلم شهرت دارد (آژند، ۱۳۸۹: ۲۹-۴۵). دلیل انتخاب وی برای این مأموریت را می‌توان در هدایای خاقان چین به دربار شاه‌رخ جست؛ به‌خصوص صورت اسبی که نقاشان چین کشیده بودند. خاقان با این کار خود هنر نقاشان چین را به رخ شاه‌رخ کشیده بود. از این‌رو، فرزند هنرپرور شاه‌رخ، بایسنقر میرزا، برای پاسخ به او هنرمندی چون غیاث‌الدین نقاش را برگزید. عامل دیگر انتخاب وی بی‌طرفی و بی‌غرضی غیاث‌الدین در امور سیاسی بود و اینکه وی یکی از معتمدان بایسنقر میرزا به شمار می‌رفت. عامل مهم دیگر، نقاش بودن غیاث‌الدین بود که می‌توانست در کنار گزارش مکتوب، گزارش مصور هم از این سفر پرماجرا تهیه کند. پس بایسنقر با انتخاب غیاث‌الدین خواسته است تا به خاقان چین نشان دهد که دربار و دیار او نیز خالی از نقاشان زبردست نیست. در این باره حافظ ابرو نوشته است: «خواجه غیاث‌الدین مذکور از آن روز باز که از دارالسلطنه هرات بر عزیمت سفر ختای رفته بود تا به‌روزی که باز آمد، به هر موضع



همچنین، می‌توان صحنه‌هایی مانند «دزدیدن اسب» که اشاره به ربوده شدن روح بیمار توسط دیوان و ارواح خبیث و تلاش شمن برای بازگرداندن آن دارد را مشاهده کرد (تصاویر ۳ و ۱۷ در جدول ۱) در نگاره‌های مربوطه، رقص، نواختن و نوشیدن، به مراسم احضار و راندن روح آیین شمنیسم اشاره دارند (دادور و خیری، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۹). در مفهوم اجتماعی، وی تصاویر انسان‌ها را در نقد به رفتار اجتماعی زمان خود با رویکرد خیال‌نگاری به‌صورت دیو تصویرسازی کرده است (وحیدی، ۱۴۰۰: ۱۱). پاکباز نیز دیدگاهی همسو دارد؛ به نظر او این آثار تمایل بسیاری به مردم‌نگاری دارند، سپس تغییری در روش کارش ایجاد کرد و به جهت انتقاد اجتماعی شیوه طزن‌نگاری آمیخته با گروتسک را انتخاب کرد (پاکباز، ۱۳۹۵: ۵۲۰). در مجموع، درباره‌ی هویت و تاریخ این نقاشی‌ها اتفاق‌نظری بین هنر پژوهان وجود ندارد. در موارد فوق بیشتر پژوهش‌ها در زمینه‌ی معرفی هویت محمد سیاه‌قلم و دیوان او و همچنین چگونگی آن‌ها با معرفی آثار در شرح‌های کوتاهی جهت شناسایی کلی دیوها اشاره شده است، درحالی‌که پژوهش حاضر، در ادامه این مباحث، با نگاه چپستی دیوان و طبقه‌بندی از نظر ویژگی‌های بصری هر یک از ۲۸ تصویر دیو سیاه‌قلم می‌پردازد.

۴. دیونگاری‌های محمد سیاه‌قلم

دیوهای محمد سیاه‌قلم در شکل‌ها و شمایل‌های مختلف و با ترکیب‌بندی‌های متفاوت ترسیم شده‌اند که در ۲۸ نگاره از موزه‌های مختلف جهان قابل‌مشاهده است. در هر یک از این نگاره‌ها، دیوان با ویژگی‌های بصری مختلف قابل‌ریت هستند که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد. در ادامه، جدول ۱ به معرفی این ۲۸ تصویر از دیوهای محمد سیاه‌قلم می‌پردازد و جزئیات و اندازه‌ی هر اثر، ازجمله ابعاد (طول و عرض) آن‌ها را ارائه می‌دهد.

۱-۴- تعداد دیوان

محمد سیاه‌قلم در هر ۲۸ نگاره، دیوان را با هیبت‌ها و اعمال مختلف و نیز در شمارگان متفاوت ترسیم کرده است. هر یک از این دیوان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که در تصاویر و جداول به آن‌ها اشاره خواهد شد. در تجزیه و تحلیل جداول ویژگی‌های هر یک از دیوان موجود در نگاره‌ها بررسی می‌شود؛ با این حال، نتایج داده‌ها به‌صورت کلی و بر اساس تعداد تصاویر (نه تعداد دیوان) ارائه خواهد شد. بر اساس نمودار ۱، مجموع دیوان در این ۲۸ نگاره محمد سیاه‌قلم، ۶۱ عدد است. با این توضیح که دو تصویر (۵ و ۲۷ در جدول ۱) تنها یک دیو را به نمایش می‌گذارند. در بخش «همراهی دو یا چند دیو»، ۱۲ تصویر وجود دارد که در مجموع شامل ۳۴ دیو هستند. همچنین، در بخش «دیو یا

و چهره‌هایی وحشتناک و ترسناک ترسیم شده‌اند. رنگ چشم‌ها سرخ و خون‌گرفته، از حدقه بیرون زده و بسیار هراس‌انگیز است؛ همانند دیوانی که با الاغی بدرفتاری می‌کنند و رگ‌های خونی متورم در مردمک چشمان آن‌ها به نحوی واضح قابل‌مشاهده است (تصویر ۶ در جدول ۱) و دیوانی که می‌رقصند (تصویر ۷ در جدول ۱). جیمز در مقاله خود، دلیل این امر را مصرف حبشش می‌داند (وایت، ۱۴۰۰: ۱۱۳-۱۱۲). پوست بدن این دیوها پر مو، خالدار و در مواردی چنان پرپشت است که بسان یال‌های اسب به اطراف افشان شده‌اند. دیوها دمی بلندی دارند که اغلب خال‌خال است و هنگام راه رفتن به پای‌شان می‌پیچند. گوش‌های‌شان بسان گوش یابو، دهان‌شان گشاد و دندان‌های‌شان بیرون زده است. بینی آن‌ها عقابی و منقاری، پاهای‌شان کلفت و ناخن‌های‌شان بلند است. در بازوها و پاهای‌شان بندهای فلزی محکمی وجود دارد که بند کشیدن و مهارشان را آسان‌تر می‌سازد. گوشواره و سینه‌بند و بازوبندی نیز در همین عیارها دارند که اغلب آن‌ها طلایی بوده و به‌عنوان زینت با کارکرد زیبایی، در نقاط مختلف بدن آن‌ها به کار گرفته شده است. در پاهای‌شان زنگوله‌ای آویزان است که حضور آن‌ها را در بین مردم اعلام می‌دارد. جمله وسایل زینتی که به‌عنوان آرایش به تن دیوها نصب گشته‌اند، طلائی و مزین و گران‌قیمت هستند. پوست بدنشان لایه‌ای و رگه‌دار بوده و به گونه پوست کرگدن‌ها می‌ماند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۸۵۷). در نهایت این دیونگاری‌ها، با تکرار سنت‌های بصری نگارگران به هویت خاص تبدیل می‌شوند و همانند صفاتی چون نحوه پوشش دیو، نوع زیورآلات و به‌کارگیری ترکیبات نیمه‌انسانی و نیمه‌حیوانی در سیمای دیو به‌صورت شکل‌های تکرار شونده درمی‌آیند (حسامی و شیخی، ۱۴۰۱: ۱۲۴) که این ویژگی‌ها در دیوان محمد سیاه‌قلم و پس از آن به‌وفور دیده می‌شود.

در رابطه با چپستی این دیوها گرابار معتقد است «شاید بتوان تصور کرد که آن‌ها نمادی از قدرت‌های شیطانی بعضی از مذاهب بت‌پرست در خصوص نیروهای مرموز طبیعت و دارای مفاهیم شیطانی هستند. شاید هم بعضی از آن‌ها شمن‌هایی با رخ پوش و نقاب باشند که از دیوان تقلید می‌کنند و برای نجات و رهایی انسان‌ها و چهارپایان با آن‌ها درمی‌آویزند» (Grabar, ۷۴: ۲۰۰۰). برخی پژوهشگران موضوعات دیوها را شمنی و منسوب به دربار محمد فاتح در استانبول دانسته‌اند. در این زمینه می‌توان به امل اسین، هنرشناس ترک، اشاره کرد که این آثار را به بخش‌های ترک آسیای میانه و مربوط به فرهنگ بودائی و شمنی این مناطق نسبت داد (آژند، ۱۳۸۷: ۳۱) از نگاره‌های مرتبط می‌توان به بریدن درخت اشاره کرد که درواقع، شمن با اجرای آیینی، برای صعود به جهان کیهانی و پرواز به آسمان‌ها، درخت را قربانی می‌کند.

جدول ۱. تصاویر دیوهای محمد سیاه‌قلم، مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۳		تصویر ۲		تصویر ۱	
	۲۷/۶×۱۸/۹		۲۵/۷×۳۴/۵		۱۸/۷×۲۶/۱
مأخذ: 40، 1985، Ipshiroglu					
تصویر ۶		تصویر ۵		تصویر ۴	
	۲۷×۳۵/۷		۲۷/۳×۱۵/۶		۱۷/۹×۲۶/۵
مأخذ: همان.					
تصویر ۹		تصویر ۸		تصویر ۷	
	۱۹/۴×۲۰/۸		۱۵/۶×۳۳/۸		-
مأخذ: همان.			مأخذ: همان.		
تصویر ۱۲		تصویر ۱۱		تصویر ۱۰	
	-		-		-
مأخذ: همان.					
تصویر ۱۵		تصویر ۱۴		تصویر ۱۳	
	۱۹/۳×۲۳/۷		-		-
مأخذ: همان.		مأخذ: همان.			

ادامه جدول ۱.

تصویر ۱۸		تصویر ۱۷		تصویر ۱۶	
	۱۷/۴×۲۳/۷		۱۹/۶×۱۵/۳		-
مأخذ: همان، ۴۰.				مأخذ: همان، ۵۳.	
تصویر ۲۱		تصویر ۲۰		تصویر ۱۹	
	-		۲۷/۳×۱۶/۵		-
مأخذ: همان، ۸.		مأخذ: ۴۰، Ipshiroglu، ۱۹۸۵.		مأخذ: ۱ URL	
تصویر ۲۴		تصویر ۲۳		تصویر ۲۲	
	-		۲۵/۷×۳۴/۴		-
مأخذ: ۵۲، ۱۹۸۴، Ipshiroglu.		مأخذ: ۴ URL		مأخذ: مجموعه خلیلی، http://www.khalilicollections.org/collections/۱۰۶۵ .	
تصویر ۲۷		تصویر ۲۶		تصویر ۲۵	
	۱۶/۶×۱۲		۲۰×۳۴/۲		۱۴/۶×۲۲/۱
مأخذ: ۲ URL		مأخذ: موزه متروپولیتن، ۷ URL		مأخذ: گالری هنر فریر، https://www.asia.si.edu/collection/edanmdm.fsg_F۱۹۳۷.۲۵	
				تصویر ۲۸	
					۴۰×۲۵
				مأخذ: مجموعه خلیلی، https://www.khalilicollections.org/collections/۱۰۷۵ .	



تصویر ۲۹. بخشی از تصویر ۱۰، دیو زنان در حال منازعه،
مأخذ: Ipshiroglu, 1985, 40



تصویر ۳۰. بخشی از تصویر شماره ۲۲، دیو با آناتومی انسان
مانند، مأخذ: مجموعه خلیلی،

<http://www.khalilicollections.org/collections/1065>

بر اساس توصیفات که در متون مختلف از این موجودات
اهریمنی صورت گرفته است، دیوها به‌طور معمول
دارای شاخ هستند، بر همین اساس یکی از ویژگی‌های

دیوان به همراه انسان‌ها یا حیوان»- که در آن‌ها دیوان گاه
به‌صورت منفرد و گاه به‌صورت گروهی در کنار انسان
یا حیوان تصویر شده‌اند - ۱۴ تصویر دیده می‌شود که
در مجموع ۲۵ دیو را دربر می‌گیرند (نمودار ۱).

۴-۲- جنسیت / آناتومی / پوست

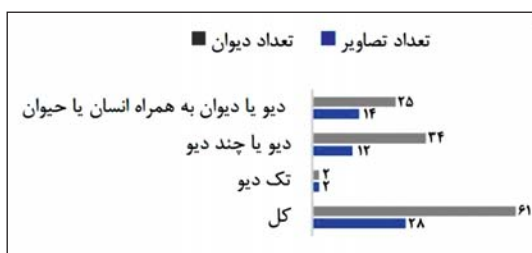
در تحلیل دیوهای آثار محمد سیاه‌قلم از نظر جنسیت،
می‌توان مشاهده کرد که همه تصاویر با دیو مردان
عظیم‌الجثه تصویرسازی شده‌اند. تنها یک استثنا، در
تصویر ۱۰ وجود دارد و آن هم در قسمت چپ و پشت
کوه‌ها است که دو دیو زن^۱ دیده می‌شوند که در حالتی
روبرو و درگیر منازعه با یکدیگر هستند. جثه این زنان
ظریف با موهای مجعد و سیاه است که زیورآلات زنگوله
به گردن دارند (تصویر ۲۹). در تحلیل آناتومی دیوهای
محمد سیاه‌قلم باید اشاره کرد که همه ۲۸ تصویر دیوهای
او دارای ساختار انسان‌گونه هستند. این تشابه به‌ویژه در
جزئیات دست‌ها، پاها و حتی انگشتان مشهود است که در
حالت‌های مختلفی مانند نشسته، ایستاده یا در حال دویدن
ترسیم شده‌اند (تصویر ۳۰). اما از نظر پوست همه ۲۸
تصویر و ۶۱ دیو متفاوت هستند که نگارندگان با توجه به
تحلیل هر یک از آن‌ها به سه قسمت «انسان گونه؛ دارای
پوست صاف و کم مو و حتی بدون مو» (تصویر ۳۱)،
«پلنگ گونه؛ پوستی خالدار همانند پلنگ» (تصویر ۳۲) و
«گره‌سان؛ موهای ضخیم و بلند مانند گربه» (تصویر ۳۳)
تقسیم‌بندی کرده‌اند (نمودار ۲).

۴-۳- سر و چهره

بخش دیگری از طبقه‌بندی ویژگی ظاهری دیوها از منظر
ویژگی‌های سر و چهره است که به ۸ زیرمجموعه «شاخ»
و «مو، ریش، گوش، پلک، چشم، بینی و دندان» تقسیم‌بندی
شده است. زیرمجموعه شاخ به‌صورت جداگانه و تحلیل
آن در نمودار ۳ و دیگر زیرمجموعه‌های مربوطه با درصد
فراوانی هریک از آنان در جدول ۲ ارائه شده است.

۴-۳-۱- شاخ

شاخ در مفهوم عام خود نماد قدرت و تهاجم است؛ بنابراین



نمودار ۱. تعداد دیوان در نگاره‌های محمد سیاه‌قلم، مأخذ:
نگارندگان.

۱. در اساطیر ایران، دیوزن یا جهی
وجود داشته است.

جدول ۲. درصد فراوانی طبقه‌بندی در زیرمجموعه‌های بخش دوم، مأخذ: همان.

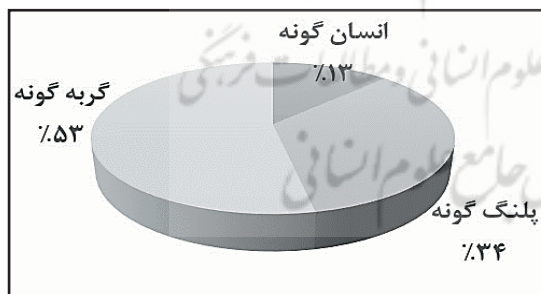
موی سر	ریش	گوش	چشم	دماغ	دندان
طاس	کوسه	گرد	گرد	حیوان مانند	حیوان مانند
۴۰ درصد	۵۳ درصد	۶۱ درصد	۶۵ درصد	۶۱ درصد	۷۳ درصد

گرفته است (تصویر ۴۴).

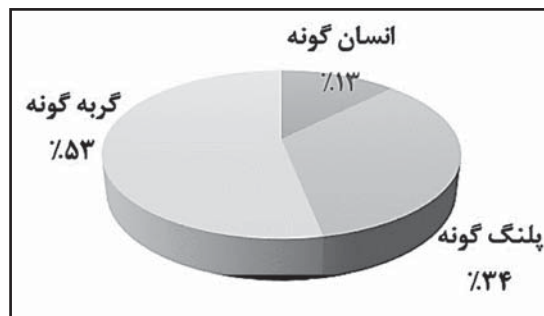
گوش‌های دیوان محمد سیاه‌قلم به دو شکل گرد انسانی و کشیده حیوانی در حالت افتادگی یا ایستاده ترسیم شده است (تصاویر ۴۵ و ۴۶). کریم زاده تبریزی در کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم، چشم‌های دیوهای محمد سیاه‌قلم را این‌گونه توصیف کرده است: «رنگ چشم‌ها سرخ و وحشتناک و از حدقه بیرون آمده و خون گرفته است؛ همانند دیوانی که با الاغی بدرفتاری می‌کنند و رگ‌های خونی متورم در مردمک چشمان آن‌ها به نحوی واضح قابل مشاهده است و دیوانی که می‌رقصند» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۸۵۷). در یک تقسیم‌بندی کلی درمجموع آثار سیاه‌قلم، چشم‌های دیوها در سه دسته «گرد، کشیده (مغولی) و کور» قرار می‌گیرند (تصاویر ۴۷، ۴۸ و ۴۹).

دماغ‌های دیوان سیاه‌قلم به دو حالت «انسانی» یا به قول

ظاهری دیوان در آثار سیاه‌قلم شاخ است. این دیوها دارای شاخ‌های مختلفی از قبیل شاخ‌های تنها و شاخ‌های قرینه‌ای بسان حیوانات و شاخ‌های شاخ‌داری بسان آهوان هستند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۸۴۴). شاخ‌های دیوان در آثار محمد سیاه‌قلم شامل شاخ دو حیوان «گاو، گوزن» بوده (تصاویر ۳۵ و ۳۶) و نیز نوع دیگری که از نظر نگارندگان می‌توان آن را شاخ درخت مانند نامید که به قول کریم‌زاده تبریزی «در مواردی آن‌ها را قطع و کوتاه کرده‌اند» (همان) دسته‌بندی می‌شوند (تصویر ۳۷). البته موارد دیگری نیز وجود دارد که وی در ترسیم دیوهای خود از هیچ شاخی استفاده نکرده است. محمد سیاه‌قلم در دیگر نگاره‌های خود به‌غیر از دیوان، حیواناتی را نیز طراحی کرده که به نظر می‌رسد در ترسیم شاخ دیوان به این تصاویر از شاخ حیوانات نظر داشته است (تصاویر ۳۴)، (نمودار ۳).



نمودار ۲. تحلیل انواع پوست‌های دیو سیاه‌قلم، مأخذ: همان.



نمودار ۲. تحلیل انواع شاخ‌های دیو سیاه‌قلم، مأخذ: نگارندگان.

۴-۳-۲- مو / ریش / پلک / گوش / چشم / دماغ / دندان محمد سیاه‌قلم در تصویرسازی دیوهای خود از خصوصیات انسانی و حیوانی در ترسیم سر و چهره الهام گرفته و این موضوع را گاه به‌صورت جداگانه و گاه در ترکیب هر دو ویژگی انسانی و حیوانی به‌صورت هم‌زمان استفاده کرده است. این پژوهش با تجزیه و تحلیل هر یک از ۶۱ دیو، به تجزیه صورت دیوها پرداخته است. محمد سیاه‌قلم در بیشتر دیوها، از مو استفاده کرده است، با این توضیح که کاربری موی بلند در جنسیت دیو برای او نقش مهمی ایفا نمی‌کند. موهای این دیوان، گاه بلند و گاه کوتاه بوده و در بیشتر اوقات نیز از مو استفاده نکرده و دیو بدون مو یا طاس است (تصاویر ۳۸، ۳۹ و ۴۰). دو حالت ریش «بلند و کوتاه» و نیز «کوسه یا بی‌ریشی» در دیوهای محمد سیاه‌قلم استفاده شده است که رنگ‌های سیاه و آبی را می‌توان مشاهده کرد (تصاویر ۴۱، ۴۲ و ۴۳).

محمد سیاه‌قلم به‌ندرت از پلک، برای دیوان استفاده کرده و حالت پلک و رنگ آن‌ها در نوع خود قابل‌تأمل هستند. بدین گونه که این پلک‌ها به شکل شراره آتش و رنگ‌های سیاه و طلایی تصویر شده‌اند و تنها در ۴ دیو از پلک بهره



تصویر ۳۳. برشی از تصویر ۲۰، دیو با پوست گربه مانند، مأخذ: Ipshiroglu، ۱۹۸۵، ۴۰



تصاویر ۳۴. بخشی از نگاره‌های حیوانات محمد سیاه‌قلم؛ شاخ‌های گاو و گوزن، مأخذ: آژند، ۱۳۸۹، ۳۵۵-۳۵۳.



تصویر ۳۲. بخشی از تصویر ۲۸، دیو با پوست پلنگ گونه، مأخذ: مجموعه خلیلی <https://www.khalilicollections.org/collections/1075>



تصویر ۳۱. بخشی از تصویر ۲۵، دیو با پوست انسان گونه، مأخذ: گالری هنر فریر، https://www.asia.si.edu/collection/edanmmdm+fsg_F1937.25



تصویر ۳۷. بخشی از تصویر شماره ۲، دیو با شاخ درخت مانند، مأخذ: همان.



تصویر ۳۶. بخشی از تصویر ۵، دیو با شاخ گوزن، مأخذ: همان.



تصویر ۳۵. بخشی از تصویر ۲۱، دیو با شاخ گاو، مأخذ: Ipshiroglu، ۱۹۸۵، ۴۰

جدول ۳. تحلیل دُم دیوهای سیاه‌قلم، مأخذ: همان.

	تصویر ۲	مار		تصویر ۵	اژدها
	تصویر ۱۶	شیر ماده		تصویر ۲۱	پلنگ
	تصویر ۲۶	گاو		تصویر ۳	شیر نر
	تصویر ۷	بدون دم		تصویر ۱۰	گرگ

جدول ۴. درصد فراوانی طبقه‌بندی دُم‌های دیو سیاه‌قلم، مأخذ: همان.

اژدها	پلنگ	شیر ماده	شیر نر	گاو	گرگ	مار	بدون دم
۱۲ درصد	۱۲ درصد	۱۶ درصد	۱۹ درصد	۶ درصد	۱۶ درصد	۶ درصد	۱۳ درصد



تصویر ۴۰. برشی از تصویر شماره ۱۵، دیو طاس (بی‌مو)، مأخذ: همان.



تصویر ۳۹. برشی از تصویر شماره ۱۰، دیو با موهای بلند، مأخذ: همان.



تصویر ۳۸. برشی از تصویر شماره ۷، دیو با مو کوتاه، مأخذ: همان.



تصویر ۴۳. بخشی از تصویر ۱۲، دیو کوسه (بی‌ریش)، مأخذ: همان.



تصویر ۴۲. بخشی از تصویر ۱۵، دیو با ریش بلند، مأخذ: همان.



تصویر ۴۱. بخشی از تصویر ۳، دیو با ریش کوتاه، مأخذ: همان.

۱۳۸۳: ۲۴۴)، سیاه‌قلم نیز برای نمایش قدرت اهریمنی این موجودات، با ترسیم عضوی حیوانی کوشیده است تا ماهیت اهریمنی دیوان را برجسته کند که در این میان به موجوداتی اهریمن‌سان مانند اژدها و مار، به‌طور ویژه‌ای نظر داشته است. مهیب‌ترین این دُم‌ها از نوع اژدها هستند که گاه در دیوهای واحد و گاه در اجتماع دو دیو ترسیم‌شده است. این دُم‌های اژدها گونه معمولاً در حال کنشی خاص نمایش داده می‌شوند: یا به شکلی تهاجمی به‌سوی بدن خود دیو هستند (تصاویر ۵، ۸ در جدول ۱) یا با دُم اژدهای دیو دیگری در کنش متقابل هستند (تصاویر ۱، ۱۵ در جدول ۱)

. دومین شکل از دُم، دُم مار مانند است که از نظر حالت و کنش، شباهت بسیاری به دُم اژدهاگونه دارد. سیاه‌قلم در دیگر نمونه‌ها نیز از دُم حیواناتی همچون شیر نر و

کریم‌زاده تبریزی «عقابی و منقاری» (همان) و دماغ حیوانی به حالت پهن و گوشت مانند است (تصاویر ۵۰ و ۵۱). دندان‌های استفاده‌شده در دیوان محمد سیاه‌قلم به دو نوع «حیوانی، یعنی تیز و برآمده و حالت گراز یا گرگ مانند» و نوع دوم «انسانی، به‌صورت یک ردیف منظم» است (تصاویر ۵۲ و ۵۳).

۴-۴-۴

بخش دیگری از بحث مربوط به ظاهر دیوان، به عضو حیوانی یعنی دُم اختصاص دارد. سیاه‌قلم بیشترین توجه خود را به این بخش از اندام دیوها معطوف کرده و وسواس زیادی در کشیدن دُم‌های دیوان به خرج داده است. از آنجاکه این عضو حیوان معمولاً «دربگیرنده» تمامی قدرت حیوان به شمار می‌آید (شوالیه و گربران،



تصویر ۴۶. بخشی از تصویر ۹، دیو با گوش‌های کشیده، مأخذ: همان.



تصویر ۴۵. گوش‌های گرد



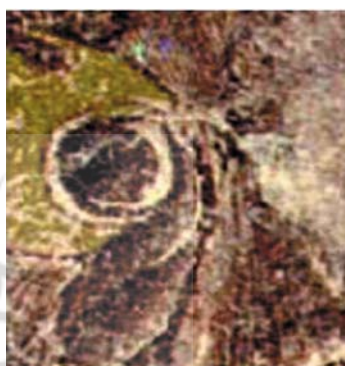
تصویر ۴۴. بخشی از تصویر شماره ۸، دیو با پلک



تصویر ۴۹. بخشی از تصویر ۹، دیو با چشمان کشیده (مغولی)، مأخذ: همان.



تصویر ۴۸. بخشی از تصویر شماره ۱۸، دیو کور، مأخذ: همان.



تصویر ۴۷. بخشی از تصویر شماره ۱۷، دیو با چشمان گرد، مأخذ: همان

جدول ۵. تحلیل پوشش دیوهای سیاه‌قلم، مأخذ: همان.

شلیته					
تکرو			دورو		
تصویر ۲۵	از ۲۸ تصویر، ۱۰ دیو از نگاره سیاه‌قلم، دارای شلیته تکرو هستند.		تصویر ۲	از ۲۸ تصویر، ۱۴ دیو از نگاره سیاه قلم، دارای شلیته دو رو هستند.	
بدون پوشش			شال		
تصویر ۱۰	از ۲۸ تصویر، ۷ دیو از نگاره سیاه‌قلم، بدون پوشش هستند.		تصویر ۲۱	از ۲۸ تصویر، ۳ دیو از نگاره سیاه‌قلم، دارای شال هستند.	

جدول ۶. تحلیل زیورآلات دیوهای سیاه‌قلم، مأخذ: همان.

گوشواره				گردنبند			
طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده		طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده	
	تصویر ۱۶		تصویر ۱۳		تصویر ۱۶		تصویر ۲۷
دستبند یا انگو				بازوبند			
طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده		طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده	
	تصویر ۱۳		تصویر ۱۵		تصویر ۲۶		تصویر ۶
خلخال پا				زانوبند			
طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده		طرح‌دار/زنگوله‌دار		ساده	
	تصویر ۲۲		تصویر ۴		تصویر ۲۴	-	-
دم بند							
طرح‌دار/زنگوله‌دار				ساده			
	تصویر ۱۶	-	-	-	-	-	-

جدول ۷. درصد فراوانی طبقه‌بندی زیورآلات دیو سیاه‌قلم، مأخذ: همان.

انواع زیورآلات	گردنبند	گوشواره	بازوبند	دستبند	زانوبند	خلخال پا	دم بند
ساده	۱۴	۲	۱۳	۱۶	-	۱۳	-
طرح‌دار یا زنگوله‌دار	۵	۲	۲	۷	۸	۱۲	۳
درصد فراوانی	۲۰ درصد	۴ درصد	۱۶ درصد	۲۴ درصد	۸ درصد	۲۶ درصد	۳ درصد



تصویر ۵۲. بخشی از تصویر ۱۵، دیو با دندان حیوان مانند



تصویر ۵۱. بخشی از تصویر ۱۶، دیو با دماغ انسان مانند



تصویر ۵۰. بخشی از تصویر شماره ۱، دیو با دماغ حیوان مانند



تصاویر ۵۴. بخشی از نگاره‌های حیوانات آثار محمد سیاه‌قلم. دُم‌های شیر نر و ماده، پلنگ، گاو و گرگ، مأخذ: آژند، ۱۳۸۹، ۳۵۳-۳۵۵.



تصویر ۵۳. بخشی از تصویر شماره ۲۶، دیو با دندان انسان مانند.

جدول ۱) که در این موارد معمولاً شال دور دستان دیوها برای رقص استفاده می‌شده است (تصویر ۱۰ در جدول ۱) (جدول ۵).

۴-۶- زیورآلات

بخش جدایی‌ناپذیر در ترسیم تصاویر دیوان، زیورآلات آنان است که محمد سیاه‌قلم به صورت گسترده از آن‌ها استفاده کرده است. بر این اساس، طبق تجزیه و تحلیل انجام‌شده، زیورآلات مورد استفاده محمد سیاه‌قلم شامل گردنبند، گوشواره، بازوبند، دستبند یا انگو، پابند یا خلخال و دُم‌بند هستند. تمامی این زیورآلات به دو شکل ساده یا طرح‌دار و زنگوله‌دار نقش‌بندی شده‌اند (جدول ۶) و تنها در (تصویر ۲۰ از جدول ۱) از هیچ‌گونه زیورآلات استفاده نشده است. در بررسی نگارندگان از دیوان قبل و بعد از آثار محمد سیاه‌قلم، زیورآلات مربوط به دُم یا همان دُم‌بند مشاهده نشد که این امر از یک سو بیانگر ابتکار و خلاقیت این هنرمند است و از سوی دیگر، می‌تواند نشان‌دهنده تأثیرپذیری او از فرهنگ‌های غیر ایرانی در بازنمایی دیوها باشد. جدول ۷ میزان کاربرد انواع زیورآلات را در دو مدل ساده و طرح‌دار یا زنگوله‌دار مشخص می‌کند.

۴-۷- اسباب و متعلقات

محمد سیاه‌قلم، علاوه بر دقت در ترسیم تصویر دیوان،

ماده، پلنگ، گاو و گرگ استفاده کرده است؛ حیواناتی که نظایر آن‌ها در نگاره‌های دیگر او نیز دیده می‌شوند. او با به‌کارگیری تنوع بالای دُم‌ها در پیکره دیوهای خود، سعی در نشان دادن گوناگونی خوی اهریمنی آنان با عیار کم‌وزیاد داشته است، چنانچه در مواقعی نیز دیوان بدون دُم ترسیم شده‌اند. (تصاویر ۵۴) (جدول ۳-۴).

۴-۵- پوشش

پوشش دیوان نوعی لباسی به نام شلیته است که «تن‌پوش‌های آن‌ها بسان شلیته‌های معمولی کوتاهی است که از پارچه‌های زمخت تهیه شده و تنها به خاطر ستر عورت استفاده می‌شده است» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹: ۸۵۷). این شلیته‌ها در دو مدل تک‌رو و دو رو (یعنی لایه آستر مانند و رنگی شلیته که در تصاویر به حالت پشت‌ورو) قابل‌ریت هستند. در ترسیم بعضی از دیوان محمد سیاه‌قلم به صورت مکمل از رنگ‌های شلیته دوروی دیوان در لباس یکدیگر استفاده کرده (تصویر ۱۱ در جدول ۱) و بعضی مواقع، در اجتماع دیوها رنگ پوست دیوان، به عنوان رنگ شلیته دیگر دیوان استفاده شده است (تصویر ۱۳ در جدول ۱). در دیگر مواقع دیوان، لباسی بر تن نداشتند و به صورت برهنه ترسیم شده‌اند. پوشش دیگر دیوان شال است که دور دستان و شانه‌های دیو به عنوان یک نوع پوشش گره خورده است (تصویر ۲۱ در



می‌رفته و مشابه آن در زیورآلات نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۱۸ در جدول ۸).

کوزه‌های پرسنل که شباهت زیادی به کوزه‌های چینی دارند نیز در آثار محمد سیاه‌قلم دیده می‌شوند. این شباهت‌ها به شکل کوزه، رنگ آبی و سفید و تزئینات حیوانی (نزاع اژدها و سیمرغ به رنگ آبی) مربوط می‌شود که هنرمند؛ آن‌ها را در نگاره‌ای جداگانه به تصویر کشیده است (تصویر ۲۵ در جدول ۸).

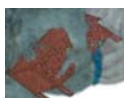
دوک نخریسی نیز از ابزار دیوان است که تنها در یک مورد دیده شده؛ به گونه‌ای که نخ دور دستان دیو پیچیده و او با دست دیگر مشغول نخریسی است (تصویر ۹ در جدول ۸). پُرکاربردترین اثاثیه در میان دیوان، «غل و زنجیر و کاسه» است. غل و زنجیرها اغلب به صورت یک زنجیر، از گردن‌بند یک دیو به دیگر دیوها متصل و امتداد دیگر آن از گردن‌بند به پابند (خلخال) دیوها دیده می‌شود. این اتصال در مواردی به تخت یا صندوقچه نیز مرتبط است (تصاویر ۱۱، ۱۲ و ۱۹ در جدول ۱). نوعی دیگر از این ابزار، شامل سه میله برنزی به هم چفت شده است که به عنوان پابند دیوها کاربرد داشته است (تصویر ۲۵ در جدول ۸). نوع سوم غل و زنجیر، ابزاری است متصل به پای اسب که با طنابی کوچک به یک میله آهنی چفت شده و همیشه همراه دیوان حمل می‌شده است (تصاویر ۲۱ و ۲۵ در جدول ۱).

دومین ابزار پُرکاربرد دیوان، کاسه یا باده‌نوش است که عموماً به صورت فلزی و با رنگ‌های سیاه و طلایی و تزئینات تراش‌خورده ترسیم شده‌اند. این کاسه و باده‌نوش‌ها عمدتاً برای تعارف به دیگر دیوان استفاده می‌شود (تصاویر ۸، ۱۸ و ۲۵ در جدول ۱). در دو مورد از این باده‌نوش‌ها، سرپوش و نخ متصل به آن قابل‌رقیت است (تصاویر ۹ و ۲۶ در جدول ۱). دیگر

توجه زیادی به کشیدن اسباب و متعلقات مربوط به آن‌ها داشته است. این اثاثیه از نظر شکل و تزئین بسیار زیبا و قابل‌توجه‌اند. دستمال گره‌دار، معمولاً به دو رنگ خاکستری و قرمز همیشه در مرکز طلایی تصویر، میان معاشرت دو یا چند دیو ترسیم شده است (تصاویر ۷، ۱۸ در جدول ۱) شوالیه و گربران، دو نوع دسته‌بندی برای گره و بست قائل‌اند: در دسته اول، بست‌ها و گره‌های جادویی که علیه دشمنان انسانی به کار می‌روند (مانند موارد استفاده در جنگ‌ها یا سحر و جادوها) و عملکرد آن بریدن گره‌ها نیست. در دسته دوم، گره‌ها و بست‌های مفید که وسیله‌ای دفاعی در مقابل حیوانات وحشی، بیماری‌ها و شیاطین و مرگ است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۳: ۷۲۶) وسیله دیگر همراه دیو، عصا یا چوب‌دستی است که همواره به عنوان وسیله حمل استفاده می‌شده است (تصاویر ۵ و ۱۶ در جدول ۱) و صرفاً وسیله‌ای با کاربرد روزمره تشخیص داده شده است (محمدزاده و دیگران، ۱۴۰۱، ۵۷) سومین ابزار، خنجر است که دیوها برای دفاع استفاده می‌کنند. خنجرها همانند شلیته، به عنوان مکملی رنگی در نگاره‌ها به کار رفته‌اند (تصاویر ۱۰ و ۱۵ در جدول ۱). همان‌طور که در دیگر بخش‌ها نیز اشاره شده؛ دیوها همانند انسان‌ها اعمالی چون حمل بار یا انسان را انجام می‌دهند. آن‌ها در حمل اثاثیه انسانی، مانند صندوقچه‌ها،

کمک می‌کنند و رنگ غالب آن‌ها قرمز و قهوه‌ای و گاه آبی است (تصاویر ۱۲ و ۱۹ در جدول ۱). دیگر ابزار مورد استفاده، ابزار برش یا همان اره است که برای بریدن درخت کاربرد داشته است (تصویر ۲ در جدول ۸). زنگوله نیز ابزاری است که با اتصال به میله‌ای آهنی، به احتمال زیاد برای دور کردن دیگر موجودات دیگر به کار

جدول ۸. معرفی انواع اسباب و اثاثیه دیوهای سیاه‌قلم، مأخذ: همان

دستمال گره‌دار		عصا یا چوب‌دستی	
	تصویر ۷، مرکز تصویر و پایین‌دستان دیو رقاص چپ به رنگ خاکستری		تصویر ۵، دیو ایستاده با عصا یا چوب‌دستی طلایی ساده
خنجر		صندوقچه	
	تصویر ۱۵، خنجر طلایی‌رنگ با دسته سفید در دست چپ دیو چپ		تصویر ۱۲، دو دیو در حال حمل صندوقچه‌های قرمز و قهوه‌ای‌رنگ

زنگوله		اره	
تصویر ۱۸، زنگوله با دو میله و یک زنجیر به هم چفت شده است و در مرکز تصویر، زیر پای دیو سمت چپ قرار دارد.		تصویر ۲، دو دیو در حال اره کردن درخت	
دوک نخ‌ریسی		کوزه پرسن	
تصویر ۹، دیو سمت راست در حال عمل نخ‌ریسی		تصویر ۲۵، کوزه پرسن چینی مانند به رنگ سفید و آبی با نقوش حیوانی ازدها مانند آبی‌رنگ در دست چپ	
غل و زنجیر			
تصویر ۲۵، میله‌های آهن مثل غل و زنجیر چفت شده به صورت پابند در پای دو دیو پای اسب به صورت چفت‌بندی فلز و طناب با حالت ضربدری زیر پای دیو سمت چپ		تصویر ۱۹، غل و زنجیر منگوله‌دار متصل به صندوقچه، گردن‌بند و خلخال سه دیو در حال بار صندوقچه	
کاسه			
تصویر ۲۵، پیاله فلزی تراش خورده طلایی در دست راست دیو چپ		تصویر ۹، دیو سمت چپ در دست چپ، دارای باده‌نوش که یک سرپوش متصل به بدنه در دست دارد. (حالت ققمقه مانند)	
ساز			
تصویر ۲۵، دیو نشسته راست در حال زدن ساز زهی از نوع تار کمانچه		تصویر ۷، دیوان نشسته چپ و راست در حال زدن ساز کوبه‌ای از نوع سنج	
تخت و کالسکه			
تصویر ۱۳، چهار دیو در حال حمل انسان‌ها با کالسکه مزین به تزئینات مختلف		تصویر ۱۱، دو دیو در حال حمل پادشاه و ملکه با تخت مزین به تزئینات مختلف هندسی و غل و زنجیر	



ابزار کاربردی دیوها، ساز بوده که معمولاً از دو نوع ساز کوبه‌ای شامل سنج (تصویر ۷ در جدول ۸) و ساز زهی شامل کمانچه (تصاویر ۸، ۲۵ در جدول ۱) استفاده شده است. آخرین ابزار مورد استفاده دیوان تخت یا همان کالسکه است. این تخت‌ها با تزئینات هندسی نفیس، رنگ‌های قرمز و طلایی و صحنه‌های تزئینی نبرد حیوانی مانند نزاع اژدها و سیمرغ طلایی رنگ با حاشیه‌هایی از رنگ‌های قرمز، آبی، سفید و طلایی، همراه با تزئینات گل و زنجیرهایی به شکل اژدها و منگوله دار و زنگوله دار، تزئین شده‌اند (تصاویر ۱۱، ۱۳ و ۱۴ در جدول ۱).

نتیجه

محمد سیاه‌قلم، هنرمند عجایب‌النگاره قرن هشتم مکتب هرات که از نظر این پژوهش همان غیاث‌الدین نقاش است، در سال ۸۲۳ هجری، بر اساس دیده‌ها و شنیده‌های خود، دو سفرنامه مکتوب و مصور فراهم آورده است. در تحلیل دیوهای محمد سیاه‌قلم، مشخص شد که هر یک از این دیوان با دیگری تفاوت دارد. این تفاوت‌ها با توجه به دسته‌بندی‌های صورت گرفته در پژوهش، از جنبه‌های گوناگون آشکار شده‌اند؛ به‌طوری‌که دیوان، از نظر ویژگی‌های ظاهری، تزئینات (مانند زیورآلات) و حتی ابزار و متعلقات کاربردی، متمایز از یکدیگر هستند، به‌گونه‌ای که در تصاویری مبتنی بر اجتماع دو یا چند دیو، هر یک از آن‌ها در قیاس با دیگری یا دیگران منحصر به فرد بوده و شباهتی به دیگران ندارند. در نتیجه‌گیری کلی از بررسی ۲۸ تصویر دیوان که به صورت جداول و آمار تحلیل شده‌اند، می‌توان گفت در بخش اول مقاله از نظر جنسیت، از میان ۲۸ نگاره، تنها در تصویر ۱۰، دو دیو زن مشاهده می‌شود و در ۵۹ تصاویر دیو باقی‌مانده، همه دیو نر هستند. در زیرمجموعه اندام؛ همه دیوان دارای دست و پای انسان مانند هستند و در آخرین زیرمجموعه از بخش اول؛ در دست‌بندی مربوط به پوست، مطابق نمودار ۲، سه مدل به کار رفته است: گربه‌سان (پرمو)، پلنگ‌گونه (خالداری) و انسان‌گونه (صاف و بی‌مو). در بخش دوم که مربوط به سر و چهره دیوان است؛ اجزای مختلفی مانند شاخ، مو، ریش، پلک، گوش، چشم، دماغ و دندان دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند که هر یک از این اجزا در نمودار ۳ و جدول ۲ بر اساس درصد فراوانی نشان داده شده است. در مورد شاخ، زیرمجموعه‌ها به چهار بخش گاو، گوزن، درخت مانند و بدون شاخ تقسیم‌بندی شده که از «شاخ‌های گاو و گوزن (به صورت برابر)» استفاده شده‌اند. بخش مو، به سه زیرمجموعه کوتاه، بلند و طاس تقسیم شده که در آن، بیشترین کاربرد مربوط به ناحیه «طاس» است و ریش همانند مو به دو بخش بلند و کوتاه و کوسه تقسیم شده که بیشترین کاربرد مربوط به «کوسه» است. تنها تفاوت مهم در این بخش؛ مربوط به پلک دیوان است که در ۴ تصویر از ۲۸ تصویر دیده می‌شود. قسمت چهارم و پنجم طبقه‌بندی به ترتیب به گوش و چشم اختصاص دارد که در هر دو دسته‌بندی، نوع گرد بیشترین کاربرد را دارد. آخرین زیرمجموعه از این بخش، یعنی دماغ و دندان، به دو دسته انسان‌گونه و حیوان‌گونه تقسیم شده که کاربرد بیشتر مربوط به نوع «حیوان مانند» است. بخش سوم، مربوط به دم دیوان است که زیرمجموعه‌های آن شامل اژدها، پلنگ؛ شیر ماده و نر، گاو و گرگ، مار و بدون دم هستند. بر اساس جدول ۴، بیشترین کاربرد در این بخش متعلق به دم «شیر نر» و کمترین آن به «گاو و مار» است. بخش چهارم مقاله مربوط به پوشش دیوان است؛ در این بخش، شلیته، شلیته دو رو بیشترین زیرمجموعه‌ها را تشکیل می‌دهند و در کنار آن‌ها، شال که کم‌تر استفاده شده است. بخش پنجم پژوهش مربوط به زیورآلات است که دارای زیرمجموعه‌های گردنبند، گوشواره، بازوبند، دستبند، زانوبند، خلخال پا و دم‌بند می‌باشد و بر اساس جدول ۷، بیشترین کاربرد آن متعلق به دستبند و کمترین آن دم‌بند است. در دسته‌بندی زیورآلات از نوع ساده بیشترین مربوط به دستبند و کمترین

گوشواره است؛ درحالی‌که در زیورآلات طرح‌دار یا زنگوله‌دار، خلخال پا (پابند) بیشترین کاربرد را دارد و کمترین آن گوشواره است. همچنین، به‌طور استثنایی، تنها زانوبند و دُم‌بند به‌صورت طرح‌دار یا زنگوله‌دار طراحی شده‌اند. درنهایت، آخرین بخش، شامل ابزار و متعلقات دیوان است که جنبه کاربردی دارند. این ابزارها در زیرمجموعه‌هایی مانند دستمال گره‌دار، عصا یا چوب‌دستی، خنجر، صندوقچه، اره، زنگوله، کوزه پرس‌ن، دوک نخ‌ریسی، غل و زنجیر در سه مدل مختلف، کاسه یا قمقمه، ساز (کوبه‌ای و زهی)، تخت و کالسکه قرار گرفته‌اند که بیشترین کاربرد از آن غل و زنجیر و کاسه بوده و کمترین آن، مربوط به اره، زنگوله، کوزه پرس‌ن و دوک نخ‌ریسی است.

منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب، ۱۳۸۷، مکتب نگارگری هرات، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول.
- آژند، یعقوب، ۱۳۸۹، نگارگری ایران (جلد اول)، تهران، سمت.
- آموزگار، ژاله، ۱۳۷۱، دیوها در آغاز دیو نبودند، کلک، شماره ۳۰، ۲۴-۱۶.
- ابرو، حافظ، ۱۳۷۲، زبده التواریخ، مصحح سید کمال حاج سید جواد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- ابراهیمی، معصومه، ۱۳۹۲، «بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی»، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۲، سال یکم، ۸۲-۵۳.
- پاکباز، رویین، ۱۳۹۵، دائرةالمعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر.
- حسامی، حمیدرضا و علیرضا شیخی، ۱۴۰۱، «سیر تحول دیونگاری در نگارگری ایرانی با تأکید بر شاهنامه‌نگاری از دوره ایلخانی تا پایان دوره قاجار»، فصلنامه نگره، شماره ۶۴، سال هفدهم، ۱۲۵-۱۰۵.
- دادور، ابوالقاسم و مریم خیری، ۱۳۹۲، «کارکرد معنایی دلالت‌های صریح و ضمنی در مطالعه موردی آثار محمد سیاه‌قلم»، جلوه هنر، شماره ۱، سال پنجم، ۴۲-۳۱.
- سرخوش کرتیس، وستا، ۱۳۷۳، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر اسطوره‌های ملل.
- شوالیه، ژان و آلن گربران، ۱۳۸۳، فرهنگ نمادها (جلد دوم)، ترجمه سودابه فضائلی، تهران، جیحون.
- طباطبائی، احمد، ۱۳۴۳، «دیو و جوهر اساطیری آن»، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، شماره ۶۹، سال شانزدهم، ۴۵-۳۹.
- عفیفی، رحیم، ۱۳۷۴، اساطیر و فرهنگ ایرانی، تهران، توس.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، شاهنامه فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره.
- قلی زاده، خسرو، ۱۳۹۲، فرهنگ اساطیر ایرانی، تهران: پارسه.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی، ۱۳۶۹، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران (جلد دوم). لندن، مستوفی.
- محمدزاده، مهدی، فریبا ازهری و شهریار شکریور، ۱۴۰۱، «مطالعه شمایل شناسانه تصویر عصا در آثار محمد سیاه‌قلم با عصای آیینی لوهان‌ها، به روش اروین پانوفسکی»، مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۱۴، سال هفتم، ۷۰-۵۴.
- وایت، جیمز، ۱۴۰۰، «ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم»، ترجمه ستاره نصری، مطالعات هنرهای زیبا، شماره ۳، سال دوم، ۱۰۴-۱۳۵.
- وحیدی، اعظم، ۱۴۰۰، «جایگاه انسان در نقاشی‌های محمد سیاه‌قلم و هیرونیموس بوش از دیدگاه فروید»، پیکره، شماره ۲۳، سال دهم، ۱۱-۱.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۹۱، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.

Grabar, Oleg, 2000, Mostly Miniature: An Introduction to Persian Painting, Princeton university press.

Ipshiroglu, M Shevket, 1985, Bozkur Ruzgari Siyah Kalem, Istanbul, Ada Yayinlari.

Ipshiroglu, Mazhar Shevket, 1984, Siyah Kalem, Italy, Salerno.

URL1, <https://www.artkolik.net/yazilar/cinlerin-efendisimehmet-siyahkalem-6971>, (access date: 1402/3/21).

URL 2, <https://www.artnet.com/artists/siyah-qalam/a-dancing-demon>, (access date: 1402/3/21).

URL 3, https://www.asia.si.edu/collection/edanmdm:fsg_F1937.25, (access date: 1402/4/21).

URL 4, <http://www.clevelandart.org/art/1982.63>, (access date: 1402/3/18).

URL5, <http://www.khalilicollections.org/collections/1065>, (access date: 1402/3/25).

URL6, <https://www.khalilicollections.org/collections/1075>, (access date: 1402/3/20).

URL7, <https://www.metmuseum.org/art/collection/451991>, (access date: 1402/3/17).



Analytical Morphology of Dev in the works of Muhammad Siyah Qalam

Zahra alioghli ziyaei, Master's student of Art Research, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Hamideh hormati, Assistant professor of Persian language and literature and faculty member of Tabriz University of Islamic Arts, Faculty of Multimedia, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran.

Received: 2023/09/14 Accepted: 2024/02/05



With regard to the **problem statement** in this research, it is observed that demons are among the most frequent patterns in Iranian paintings and have been illustrated as evil and malicious creatures for several centuries. According to Zoroastrian myths, before Zoroaster, demons were referred to a group of Aryan gods walking on the earth in human forms; however, after becoming a prophet, Zoroaster expelled them from the earth, and they had to escape to the underground and to continue their lives in secrecy. Meanwhile, demons were called devils and misleaders. In this connection, focus by Muhammad Siyah Qalam on these creatures and their illustration, as characterized by their diverse appearances, warrants further investigation. Muhammad Siyah Qalam was a famous Iranian illustrator back in the 15th century who inspired many other artists due to his specific styles. As stated in this study, he is actually Muhammad bin Mahmoud Shah Khayyam, also known as Ghiyas ul-Din Muhammad, the painter, who was dispatched by the Shahrokh's court to China on a political mission and was tasked with recording his experiences during the trip. In his works, he has used a mythological creature, i.e. a demon, and depicted it in various states and human conducts, including in labor, conversations, conflicts and music. Various theories have discussed the nature of these paintings and the origin of these demons, with some theories considering demons to be symbols of demonic power and some idolatrous religions. Yet, some other theories have regarded them as shamans with guises and masks imitating demons, as some of them are recognized as narrative rites. From another perspective, these shamans are attributed to some Turkish parts of Central Asia and relevant regional cultures. These demons are also considered to be religious and social concepts used by Ghiyas ul-Din as loan translation from temple images; in the meantime, he has illustrated human images in social concepts to criticize the behavior of his social era using an imagery-oriented approach. In sum, demons illustrated by Siyah Qalam have attracted the attention of researchers and inspired other artists of the century in illustrating the apparent and visual characteristics of these demons. The key point here is the pictorial diversity of these demons, distinguished by their noticeable visual characteristics, which has made these images worthy of greater consideration, as morphological approaches are needed to achieve their visual details. Using morphology in studying works of art helps better understand visual characteristics



Negareh

and interrelationships between different components. The **objectives** of this study were to study the apparent characteristics of demons depicted by Muhammad Siyah Qalam and to understand their visual characteristics. The study also aimed to respond to the **question**: "What are the visual characteristics of these demons using a morphological approach?" This qualitative study fell under descriptive-analytical **methods**. Sampling was purposive and included all 28 demon illustrations by Siyah Qalam collected from the Topkapi Museum of Istanbul, Freer Art Gallery and New York's Metropolitan Museum. Data were collected from library sources, note-taking and image-reading tools, as well as obtained tables and figures. Data were obtained using the inductive method. According to the authors' findings, no independent study has ever undertaken the morphological sphere of Siyah Qalam's demons. Therefore, the key necessity of this study was the provision of new results and the study significance was the provision of novel insights into the paintings of the demons. Generally, it was **concluded** that the visual characteristics of the Siyah Qalam's demons fell under six categories of "general appearance characteristics, heads and faces, tails, coverings, ornaments and belongings". Each category has its own sub-categories and each of the demons was unique compared to others in terms of characteristics of appearance, ornament and belongings, as they bear no resemblance to their counterparts and are independently unique. Siyah Qalam has employed praiseworthy precision in illustrating demons both individually and in combination with others using unique details. In depicting demons' visual characteristics by employing equal human and animal details of various states, Siyah Qalam has sought to represent a dual half-man and half-human face in accordance with the visual tradition of demons in painting; in limb sections, however, human-like forms dominate. In the head and face sections (ears, eyes, hairs and noses) and tails and horns, animal-like forms dominate. Meanwhile, demons' tails exhibit more diversity compared to other parts. In representing other human characteristics, the painter has also employed other human elements of "coverings, ornaments, and belongings", in addition to organs and faces.

Keywords: Div, Muhammad Siyah Qalam, Ghiyas ul-Din Naqash, Miniature, Herat School

References:

- Abru, Hafez, 1993, *Zobdat al-Tawarikh*, edited by Seyyed Kamal Haj Seyyed Javadi, Tehran: Organization of Printing and Publishing.
- Afifi, Rahim, 1995, *Myths and Iranian Culture*, Tehran: Toos.
- Amuzgar, Zhaleh, 1992, "In the Beginning, There Were No Devs", *Kelk*, No. 30, pp. 24-16.
- Azhand, Yaqub, 2008, *The School of Miniature Painting in Herat*, Cultural Academy of Art Publications, First Edition.
- Azhand, Yaqub, 2010, *Iranian Miniature Painting (Volume One)*, Tehran: Samt.
- Chevalier, Jean, and Alain Gheerbrant, 2003, *Dictionary of Symbols (Volume Two)*, translated by Soodabeh Fazaeli, Tehran: Jeyhoon.
- Dadvar, Abolqasem, and Maryam Kheyri, 2013, "The Semantic Function of Explicit and Implicit References: A Case Study of the Works of Mohammad Siyah Qalam", *Jelve Honar*, Vol. 5, No. 1, pp. 31-42.
- Ebrahimi, Masoumeh, 2013, "An Examination of the Conceptual Evolution of 'Div' in Social History and Oral Literature", *Journal of Culture and General Literature*, Vol. 1, No. 2, pp. 53-82.
- Ferdowsi, Abolqasem, 2011, *Shahnameh Ferdowsi*, edited by Saeed Hamidian, Tehran:



Negareh

Qatre.

Gholizadeh, Khosrow, 2013, *Iranian Mythology Dictionary*, Tehran: Parseh.

Grabar, Oleg, 2000, *Mostly Miniature: An Introduction to Persian Painting*, Princeton University Press.

Hessami, Hamidreza, and Alireza Sheykhi, 2022, "The Evolution of Demonology in Iranian Painting with a Focus on Shahnameh Illustrations from the Ilkhanid Period to the End of the Qajar Period", *Negareh Journal*, Vol. 17, No. 64, pp. 105-125.

Ipshiroglu, Mazhar Shevket, 1984, *Siyah Kalem*, Italy: Salerno.

Ipshiroglu, M Shevket, 1985, *Bozkur Ruzgari Siyah Kalem*, Istanbul: Ada Yayinlari.

Karimzadeh Tabrizi, Mohammad Ali, 1990, *The Life and Works of Ancient Iranian Painters* (Volume Two), London: Mastoofi.

Mohammadzadeh, Mehdi, Fariba Azhari, and Shahryar Shakour, 2022, "A Study of Symbolism in the Images of Mohammad Siyah Qalam and Hieronymus Bosch, Using Erwin Panofsky's Iconography", *Theoretical Foundations of Visual Arts*, Vol. 7, No. 14, pp. 54-70.

Pakbaz, Royin, 2016, *Encyclopedia of Art*, Tehran: Farhang Moaser.

Sorkhosh Curtis, Vesta, 1994, *Iranian Myths*, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Nashr-e Asatir-e Mellel.

Tabatabaei, Ahmad, 1964, "The Demon and the Mythical Essence of It", *Language and Persian Literature* (former journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz), Vol. 16, No. 69, pp. 39-45.

Vahidi, Azam, 2021, "The Position of Humanity in the Paintings of Mohammad Siyah Qalam and Hieronymus Bosch from Freud's Perspective," *Paykareh*, Vol. 10, No. 23, pp. 1-11.

White, James, 2021, "Satire in the Paintings of Mohammad Siyah Qalam", translated by Setareh Nasri, *Studies in Fine Arts*, Vol. 2, No. 3, pp. 104-135.

Yahaghi, Mohammad Jafar, 2012, *Encyclopedia of Myths and Narratives in Persian Literature*, Tehran: Farhang Moaser.

URL1: <https://www.artkolik.net/yazilar/cinlerin-efendisimehmet-siyahkalem-6971> (access date: 2023/6/11).

URL 2: <https://www.artnet.com/artists/siyah-qalam/a-dancing-demon> (access date: 2023/6/11).

URL 3: https://www.asia.si.edu/collection/edanmdm.fsg_F1937.25/ (access date: 2023/7/11).

URL 4: <http://www.clevelandart.org/art/1982.63> (access date: 2023/6/8).

URL 5: <http://www.khalilicollections.org/collections/1065> (access date: 2023/6/15).

URL 6: <https://www.khalilicollections.org/collections/1075> (access date: 2023/6/10).

URL7: <https://www.metmuseum.org/art/collection/451991> (access date: 2023/6/9).